



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۲ دی ۱۳۹۰

مصادف با: ۸ صفر ۱۴۳۳

جلسه: ۱۷

موضوع کلی: علوم مقدماتی تفسیر

موضوع جزئی: معانی و بیان - کلام - اصول فقه - فقه

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در علوم مورد نیاز تفسیر بود، تا اینجا در مورد علوم ادبی شامل لغت، صرف و نحو مطالبی را عرض کردیم، معلوم شد که نیازمندی مفسر به علم صرف و نحو مسلم است اما نیازمندی به علم لغت به عنوان اینکه قواعد این علم را بداند لازم نیست.

۴ و ۵) علم معانی و بیان

علم معانی عبارت است از اصول و قواعدی که با رعایت آنها کلام با مقتضای حال و با قصد متکلم از بیان کلام مطابق می-گردد.

علم بیان هم عبارت است از قواعدی که به سبب آن راه‌های بیان یک معنی به اشکال مختلف که از جهت وضوح و روشنی متفاوت می‌باشند شناخته می‌شود، این دو علم بر خلاف علم بدیع در فهم معنی و مقصود گوینده نقش دارند؛ چون قرآن واجد یک مزیت مهمی به نام فصاحت و بلاغت است؛ یعنی علاوه بر اینکه مفاهیم و معانی بلندی در قرآن بیان شده از جهت فصاحت و بلاغت هم در حد اعجاز است.

تأثیر فصاحت و بلاغت در تفسیر به حدی است که زمخشری در مقدمه تفسیر کشاف می‌گوید: هیچ کس نمی‌تواند در رسیدن به حقایق قرآن به غواصی بپردازد مگر اینکه در دو علم معانی و بیان به حد کمال رسیده باشد، ممکن است این ادعا تا حدی مبالغه آمیز به نظر برسد ولی می‌توان ادعا کرد که بدون اطلاع بر قواعد علم معانی و بیان شاید نتوان تفسیر صحیحی از قرآن ارائه داد، مجازات، استعارات و کنایات زیاد در قرآن استعمال شده، بسیاری از معانی ظریف قرآن فقط با بی بردن به قواعد فصاحت و بلاغت قابل درک است لذا در مجموع این ادعا، ادعای صحیحی است گرچه آنچه را که زمخشری گفته که دست-یابی به حقایق قرآن مبتنی بر رسیدن به حد کمال در دو علم معانی و بیان است را نمی‌توان قبول کرد ولی اصل احتیاج به دو علم معانی و بیان قابل قبول است.

ب) علم کلام

علم کلام که همان علم اصول عقاید است از جمله علوم است که از علوم مقدماتی تفسیر شمرده شده است، علم کلام متکفل بیان ادله و براهینی در موضوعاتی مثل اثبات خالق، توحید، عدل، نبوت عامه و خاصه، اعجاز، عصمت، امامت، معاد، رجعت، شفاعت و... است. بخش‌های زیادی از قرآن و کثیری از آیات کتاب خدا به همین مطالب و موضوعات اختصاص

دارد یا به نوعی به آنها مربوط می‌شود؛ یعنی آنچه در قرآن در رابطه با این موضوعات ذکر شده تقریباً به صورت اجمالی و یا به عنوان مقدمات مطویّه مورد توجه قرار گرفته؛ یعنی مبنای برخی از نتیجه‌گیری‌هایی است که به عنوان یک آیه ذکر شده و ما با اطلاع بر این براهین و ادله و استدلال‌ها می‌توانیم معنای آیات و مقاصد آنها را بهتر درک کنیم و ارتباط بین آیات را بفهمیم لذا علم کلام هم به عنوان یک علمی که مقدمه تفسیر محسوب می‌شود مورد پذیرش است.

ج) علم اصول فقه

اصول فقه به عنوان دانشی معرفی شده که منطبق دستگاہ استنباط احکام شرعی است؛ یعنی مقصود بالذات از علم اصول پی بردن به قواعد استنباط است لذا به عنوان علوم آلی شمرده می‌شود. بسیاری از مباحث علم اصول در فهم معانی و مفاهیم قرآنی تأثیر مستقیم دارد، البته همه مباحث علم اصول اینگونه نیست؛ مثلاً مبحث اصول عملیه تأثیر آنچنانی در تفسیر ندارد اما مباحث الفاظ از مهمترین مباحثی است که در علم اصول از آن بحث شده و تأثیر جدی در فهم آیات قرآن دارد، در مباحث الفاظ با اموری مثل عام و خاص، مطلق و مقید، اوامر و نواهی، ناسخ و منسوخ، ظواهر و... آشنا می‌شویم که بخش مهمی از آیات قرآن از همین مقولات است، اینکه ظواهر حجتنده بحثی است که در علم اصول فقه ثابت می‌شود و به استناد حجیت ظواهر، حجیت ظاهر قرآن و روایات هم ثابت می‌شود. پس مباحث حجیت تا حد زیادی در تفسیر مؤثر است؛ چون مبنای فهم معنای آیات، حجیت ظواهر است، مستقلات عقلیه هم در تفسیر تأثیر دارد لذا تأثیر علم اصول در تفسیر قرآن اگر چه بالجمله و بتمامه قابل اثبات نیست اما فی الجمله مباحث علم اصول فقه در تفسیر تأثیر دارند.

د) علم فقه

علم فقه هم از جمله علوم است که در تفسیر قرآن تأثیر دارد، البته در مورد نیاز تفسیر و مفسر به علم فقه دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: بعضی معتقدند علم فقه تأثیری در فهم آیات ندارد، از جمله کسانی که به این نظریه معتقدند آلوسی است.^۱

دیدگاه دوم: در مقابل، اکثراً تأکید می‌کنند که اطلاع بر علم فقه از ضروریات مورد نیاز برای مفسر است.

به نظر می‌رسد حق با دیدگاه دوم باشد زیرا حداقل حدود ۶۰۰ آیه از آیات قرآنی به عنوان آیات الاحکام شناخته می‌شوند که از این جهت اطلاع از نحوه استنباط احکام شرعی و آشنایی با اجتهاد و فقاہت حداقل در مورد این آیات ضروری به نظر می‌رسد، فقیه و مجتهد کسی است که با نحوه و روش استنباط احکام شرعی از منابع معتبر آشنا باشد و بداند چگونه به کمک ادله، احکام شرعی را استنباط کند، یکی از مهمترین ادله استنباط حکم شرعی آیات است و آیات گاهی به عنوان عموماتی هستند که مخصص آنها در خود آیات یا روایات است و نحوه استفاده از آیات و تفسیر آیات بستگی مستقیمی دارد با اجتهاد و استنباط لذا آشنایی با علم فقه هم برای تفسیر لازم است.

۱. روح المعانی، ج ۱، ص ۶.

نکته: البته توجه داشته باشید که همان طور که سابقاً هم اشاره کردیم منظور از علم فقه یا صرف و نحو این نیست که شخص در این علوم تخصص پیدا کند و صاحب نظر باشد بلکه آشنایی در حد متوسط کفایت می‌کند و مثلاً اگر شخص نسبت به علم فقه با کیفیت استنباط احکام آشنا باشد کفایت می‌کند و لازم نیست که در علم فقه مجتهد باشد پس برای اینکه انسان بتواند از آیات قرآن استفاده صحیحی داشته باشد و معانی و مقاصد آنها را درک کند باید با کیفیت استنباط احکام شرعی آشنا باشد گر چه لازم نیست خودش بتواند استنباط کند. پس کسی که فقه نداند قطعاً نمی‌تواند از آیات الاحکام معنای درستی را بدست آورد.

«والحمد لله رب العالمین»